

نگاه

چین، تنها پیروز انتخابات آمریکا

● پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برای هرکسی که به حقوق بشر، رهبری جهانی ایالات متحده و آزادی رسانه توجه می‌کند، فاجعه‌بار خواهد بود؛ اما این به معنای پیروزی برای پکن است. اکنون این نتیجه برای چینی‌ها از سه منظر پیروزی به‌شمار می‌رود. اولین پیروزی کاملاً مشخص است؛ پیروزی سیاسی. اکنون دیگر پکن مجبور نیست با چشم‌انداز ترسیمی هیلاری کلینتون مواجه شود؛ چشم‌اندازی سخت و دشوار و به‌جای آن باید با ستاره تلویزیونی ناآشنایی مواجه شود که به‌خوبی می‌داند این کشور مجهز به تسلیحات هسته‌ای است و قول داده پول‌های آمریکایی را از کشورهای متحد آمریکا مانند کره‌جنوبی و ژاپن خارج کند. بنابراین یکی از اصلی‌ترین علت‌های این استقبال آن است که چینی‌ها مواضع ترامپ را در قبال کشورهای متحد آمریکا بسیار سخت توصیف کرده‌اند که این یک پیروزی دیپلماتیک برای چین محسوب می‌شود. به‌دلیل اینکه ترامپ رویکرد خوبی در قبال کره‌جنوبی، ژاپن، سنگاپور و اندونزی نداشته و چین امید زیادی دارد با روی کارآمدن او در منازعات تجاری و مناقشات دریاهای جنوبی و شرقی، این نامزد جمهوری‌خواه به‌نوعی حامی پکن و درصدد گسترش روابط با چین باشد. البته این امر طبعی محسوب می‌شود، چراکه ترامپ نشان داده می‌تند پیشنهاد ترامپ برای تعرفه ۴۵ درصدی روی اجناس چینی علاوه بر کاهش تجارت با آمریکا، افتی ۸۷ درصدی را در صادرات چین به آمریکا (به اندازه ۴۲۰ میلیارد دلار) به همراه داشته باشد. در طول زمان و با احتساب اثرات چندبرابری، به معنای سقوط ۴٫۸۲ درصدی تولید ناخالص داخلی چین با افتی در حدود ۵۰۰میلیارد دلار خواهد بود. این موضوع حتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۲۴۶ میلیاردلاری را نیز به حساب نیاروده است. افت تولید ناخالص ملی با کندی در رشد تولید ناخالص داخلی در این مقیاس متناوب خواهد بود. در واقع، ترامپ و دولت او ممکن است با یک نسخه با تعرفه بالا واردات را تحت کنترل قرار دهند. با وجود این، حتی تعرفه‌های بسیار بالا تا ۱۵ درصد نیز بدون درنظرگرفتن اثر شرکت‌های خارجی، موجب افت ۱۰۸درصدی تولید ناخالص داخلی چین خواهد شد.

ایین تعرفه‌ها حتماً برای چین و شرکت‌های چندملیتی مشغول به کار در این کشور زیان‌آور خواهد بود. این شرکت‌ها احتمالاً باید برنامه‌هایی را برای نقل مکان به کشورهای دیگر در نظر بگیرند. چین ممکن است در رقابت با کشورهای در حال توسعه دیگر که ترامپ هدف نگرفته، در جذب بازار خارجی شکست بخورد. نگرانی‌های دیگری نیز وجود دارد. تحلیلگران بر این باورند تعادل پرداخت چین به‌دلیل جریان‌های خروجی و مازاد حساب جاری، منبع نگران‌کننده‌ای باشد. تعرفه‌ها می‌تواند فشار بیشتری را به همراه داشته باشد و خطر بازگشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند کسری حساب سرمایه را بیشتر کند. در کنار یکدیگر این پویایی می‌تواند اثری نزولی روی یوآن داشته باشد. اما اگر ترامپ همچنان پس از ورود به کاخ سفید بر اجرای سیاست‌های حمایتی خود اصرار کند و همان سیاست اقتصادی را در پیش گیرد که در امپراتوری تجاری شکست‌خورده خود اجرائی می‌کرد، اقتصاد لزرزان چین، بیش از این آسیب خواهد دید. در چنین شرایطی پکن همان طرح رؤیایی خود را برای گسترش شبکه تجاری‌اش توسعه خواهد داد: «یک جاده، یک کمربند» تا بتواند این شکست خود را در این دنیای بی‌ثبات جبران کند. ایالات متحده و چین همواره به‌عنوان چین می‌تواند از این رویداد غیرمنتظره در عرصه اقتصادی نیز برای خود، فرصتی بی‌نظیر بسازد و تنها پیروز، بُرد تلخ ترامپ باشد.

دموکرات‌ها با شکست در ایالات فلوریدا، پنسیلوانیا و ایندیانا، در بازپس‌گیری اکثریت مجلس سنا ناکام ماندند تا دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده، دیگر کمتر مانعی در برابر تنظیم و اجرای برنامه‌های مطلوب خود داشته باشد. شومن اسبق تلویزیونی، تاجر میلیاردر نیویورکی و ساکن بعدی کاخ سفید در حالی امیدوار است تا اختلافات پیشینش با سران حزب جمهوری‌خواه، اکنون که کنگره آرایش محافظه‌کارانه خود را حفظ کرده، خللی در فرآیند دگردیسی واشنگتن ایجاد نکند که به نظر می‌رسید در ساعات ابتدایی بامداد روز گذشته، یعنی درست همان زمانی که ترامپ در کمال ناباوری و غافلگیری آرای اکثرال را به سید خود می‌ریخت، دموکرات‌ها روزنه‌ای از امید یافته باشند. دلیل آن نیز پیروزی نامزد مورد حمایت‌شان، یعنی تامی داک‌ورث در ایالت آیلینویز بود که موفق شده بود با غلبه بر رقیب و سناتور حال حاضر جمهوری‌خواهان، مارک کرک، امید دموکرات‌ها را در بازپس‌گیری اکثریت مجلس سنا و موازنه قوا افزایش دهد. اما این تازه اول کار بود. با گذشت هر ساعت و هم‌زمان با روند صعودی آرای اکثرال ترامپ، شمارش آرای انتخابات کنگره در ایالات رقابتی نشان از آن داشت که دموکرات‌ها کار سختی برای به‌دست‌گرفتن کنترل سنا پیش‌رو دارند. آنان که حتی پیش از شب برگزاری انتخابات نیز شکست در انتخابات مجلس نمایندگان را پذیرفته و ساعاتی پس از آغاز شمارش آرا، با اختلافی درخرو توجه رسماً زمام رهبری مجلس عوام را به جمهوری‌خواهان واگذار کردند، خیلی زود دریافتند برای کسب پنج کرسی اضافه سنا و به‌تبع آن، به‌دست‌گرفتن اکثریت مجلس اعلاي کنگره نیز شانس‌ی ندارند. در حقیقت دموکرات‌ها که می‌توانستند در صورت انتخاب هیلاری کلینتون و با اتکا به رای سرنوشت‌ساز معاون اول رئیس‌جمهور، حتی با کسب چهار کرسی دیگر سنا نیز اکثریت این مجلس را به‌دست آورند، نه‌فقط کاذب سفید را به

ترامپ واگذار کردند، بلکه عملاً با شکست نامزد‌های سناتوری در ایالت‌های پرامید، دست‌کم برای دو سال آتی خود را از صحنه تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی آمریکا حذف کردند.

در انتخابات سه‌شنبه کنگره، رقابت بر سر ۳۴ کرسی سنا، از جمله ۲۴ کرسی که هم‌اکنون در اختیار جمهوری‌خواهان است، در جریان بود. دموکرات‌ها که تا پیش از این بر ۴۴ کرسی سنا تکیه زده و برای تصویب لوایح پیشنهادی خود روی دو نماینده مستقل سنا نیز حساب باز می‌کردند، فقط در یک ایالت، یعنی نوادا در موضع دفاعی قرار داشتند که البته موافق به حفظ این کرسی ایالتی شدند. با این حال، گذشته از ایالاتی همچون فلوریدا که شاهد پیروزی مارکو

جهان



AFP، عکس

جمهوری‌خواهان با موفقیت از اکثریت کنگره دفاع کردند

همسویی پرابهام

روبو، نامزد کناره‌گرفته جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست‌جمهوری بود و همچنین ایالت آریزونا که باید دست‌کم برای دو سال دیگر سناتور ۸۰ساله جمهوری‌خواه، یعنی جان مک‌کین را به عنوان نماینده راهی سنا کند، بسیاری از کرسی‌های دیگر، از جمله ایندیانا، ویسکانسین و کارولینای شمالی محل رقابت تنگاتنگ نامزد‌های دو حزب عمده ایالات متحده بودند که به جز سه مورد، به نفع سناتور‌های حال حاضر جمهوری‌خواه تمام شد تا باوجود کاهش تعداد کل سناتور‌های جمهوری‌خواه به ۵۱ نفر، اکثریت هر دو مجلس کنگره همچنان در اختیار جمهوری‌خواهان باشد؛ تحولی که اگرچه در عرف سیاسی، به معنای هم‌گرایی دستگاه‌های اجرائی و قانون‌گذاری و تسهیل

برتری بی‌آبرویی فردی بر بی‌آبرویی سیاسی

آمریکایی‌ها که عمدتاً از قشر جوان و افراد بالای ۶۵سال تشکیل می‌شوند، این ذهنیت را دارند که محصول هشت سال قدرت‌داری «باراک اوباما» چیزی غیر از این نبود که آمریکا پرستیژ گذشته‌اش را از دست داد؛ مخصوصاً در مواجهه با روسیه که همیشه برای آمریکایی‌ها رقیبی سنتی و حیثیتی است، نفوذ گذشته را نداشت که این مسئله را باید پاشنه آشیل اردوگاه دموکرات‌ها در انتخاباتی بدنام که در آن شکستی سهمگین را متحمل شدند. دقیقاً به‌همین‌دلیل ترامپ با هوشمندی خاصی از تلاش برای بازگرداندن وجهه آمریکا خبر داد و همچنین وعده داد که شرایطی را فراهم آورد که ایالات متحده مانند سال‌های پیش از اوباما، در نظام بین‌الملل حرف اول و آخر را بزند که باید اذعان کرد، وعده‌هایی این‌چنینی برای آن گروه از آمریکایی‌هایی که سرخورده شده بودند، به‌منابه در باغ

شورش «حاشیه» علیه «متن»



AP، عکس

می‌شد به لحاظ علمی دقیقاً به همان شیوه بود و همیشه و در دوره‌های انتخاباتی دیگر هم انجام می‌گرفت و دقت عملی آن با خطایی زیر یک درصد بود. اینکه چرا ماحصل و نتیجه این انتخابات خلاف نظرسنجی‌ها و قدرت رسانه برای مدیریت افکار عمومی در چارچوب سیستم بود، به این واقعیت برمی‌گردد که ذات پدیده جدید در دوره حاکمیت آثارشی اصولاً در تضاد با ثبات و سامان سیستمی واقع شده بود که مبنای نظرسنجی‌ها و حرکت رسانه «قدرت‌محور» قرار می‌گیرد. در زمانی که درک و هدف دولت‌ها برای رشد و توسعه فقط بر محور تغییر در آمار ریاضی و نمودارهای خشک اقتصادی است، بدون اینکه به تأثیر آن بر طبقات اجتماعی و به‌ویژه طبقات زیرین به‌عنوان قربانیان این مدل در وضعیت شرایطی که جامعه مستعد اعتراض و شورش علیه نظم موجود بود، توهم و تمایل حزب رقیب ترامپ را نپذیرفتن بدیل مشروع در مقابل این حریف جدید با بزرگ‌ترین اشتباه محاسبه، دقیقاً حریفی را برای مبارزه به میدان فرستاد که بیشترین کمک را برای ایجاد وضعیت دوقطبی سیاسی-اجتماعی لازم برای تعیین یک میدان مبارزه حول بسیج پتانسیل اعتراضی در تضاد با کسی که نماد وضع موجود تلقی می‌شد، کرد. اینکه در حوزه تحلیل از نبود دقت نظرسنجی‌ها یا فقدان قدرت رسانه برای مهندسی افکار عمومی بعد از این نتیجه پیش‌بینی‌ناپذیر بتوان نتیجه گرفت تاکنیزات انتخاباتی ماحصل یک سری اشتباهات تاکتیکی بوده، بسیار گمراه‌کننده است. نظرسنجی‌های بسیاری که در هفته‌های گذشته در آمریکا انجام

فرآیند تغییرات رادیکال در حوزه سیاست‌گذاری است، اما با نظر به اختلافات عمیق جاری بین رهبران کنونی کلینتون هیل و ساکن بعدی کاخ سفید که حتی درباره پل رایان، ستحنوی مجلس نمایندگان، به مشاجرات لفظی کشیده شده، هرگونه پیش‌بینی درباره تبعات و پیامدهای آتی آن را دشوار می‌کند. این در حالی است که به نظر می‌رسد رهبران کنگره به دنبال آن هستند تا دست‌کم برای حفظ جایگاه خود در کنگره بعدی که بناست از سوم ژانویه سال آینده ملادی کار خود را آغاز کند. در ظاهر بر اختلافات خود با ترامپ سرپوش بگذارند. رایسان دقایقی پس از آنکه کلینتون در تماسی تلفنی با ترامپ شکست را پذیرفت، در بیانیه‌ای از عزم خود برای همکاری نزدیک با دولت جدید سخن گفته است؛ همکاری‌ای که به گفته او، می‌تواند باعث پیشبرد دستور کار حزب در بهبود شرایط معیشتی شهروندان آمریکایی شود. میچ مک‌کانل، رهبر اکثریت جمهوری‌خواه سنا، نیز در بیانیه‌ای دیگر و البته با لحنی سردتر، اذعان کرده مردم آمریکا مسیر جدید برای کشور برگزیده‌اند و سنا همچون همیشه در کنار مردم باقی خواهد ماند. با همه این اوصاف و در شرایطی که آینده رهبری هر دو مجلس عوام و اعلامی‌کنش‌نر در هاله‌ای از ابهام است، به نظر می‌رسد یکی از اولین اقدامات کنگره‌ای جمهوری‌خواه لغو برنامه نظام خدمات بهداشتی و درمانی اوباما، یعنی تحقق خواسته‌ای است که برای شش سال معوق مانده بود. این جدای از تصویب برنامه جامع اصلاحات مهاجرتی، مخالفت با قوانین کنترل خرید، فروش و حمل اسلحه، گسترش تنظیمات مالی و زیست‌محیطی و البته مقاومت در برابر نامزد پیشنهادی اوباما برای تصدی ریاست دادگاه عالی آمریکا است که به نظر می‌رسد در سایه چالش‌هایی درون حزبی پیرامون ترک پیمان‌های مالی و تجاری بین‌المللی همچون پیمان شراکت ترنس-پاسیفیک، از مشترکات راهبردی دولت و کنگره آتی ایالات متحده خواهد بود.

سبب بود و موجب شد تا ترامپی که در روزهای ابتدایی کاندیداتوری‌اش حتی از جانب هم‌نظران جمهوری‌خواش هم جدی گرفته نمی‌شد، از این پس ساکن اتاق بیضی‌شکل کاخ سفید شود. شاید این مسئله جدی باشد که خطور کسسی که به انواع و اقسام بدرفتاری‌های شخصیتی متهم شد، توانست بیشتر از رقیب رای داشته باشد که در جواب بدیل گفت، در انتخابات آمریکا بی‌آبرویی فردی، بر بی‌آبرویی سیاسی غلبه کرد. اگر ترامپ به رابطه‌های آتچانی با زنان متهم شد و عذرخواهی کرد، هیلاری کلینتون هرگز حاضر نشد تا تقصیرش در ماجرای ایمیل‌ها را موضوعی جدی تلقی کند و نتیجه‌اش این شد که چهار سال و شاید هم هشت‌سال به نظاره کاخ‌سفیدنشینی ترامپ بنشیند.

دوره جدید در جامعه سیاسی و اجتماعی در این کشور نام برد که تضادهای موجود را تشدید هم خواهد کرد. به‌همین‌دلیل کار سخت ترامپ تازه از وقتی کلیدی می‌خورد که او کلید کاخ سفید را از سلف خود تحویل می‌گیرد.

ترامپ به‌زودی با این واقعیت سخت روبه‌رو می‌شود که سیاست و حوزه حکومتداری در چارچوب ظهور یک جنبش اعتراضی تفاوت ذاتی با جهان تجارت دارد که یک تاجر دغل‌باز بتواند برای فرار از مالیات از قوانین موجود استفاده کند، چراکه این دوره انتخاباتی پتانسیل نیرویی را آزاد کرد که فعلاً در تقابل با وضع موجود است و مطالبات مشخصی خواهد داشت که در چارچوب بوروکراسی کنونی نمی‌توان به آن پاسخ داد و همچنین دیگر نمی‌توان آن را هم نادیده گرفت. ترامپ چنانچه بخواهد در چارچوب ساختار موجود و در تعامل با بوروکراسی حزبی، سیاست و برنامه‌های سنتی سیستم را دنبال کند در تقابل با جنبش مطالبه‌جویی قرار می‌گیرد که او را از دنیای تجارت به کاخ سفید فرستاد. در عوض پاسخ‌دادن به این مطالبات به این سیستم‌مستلزم تجدیدنظر اساسی در نظم مستقر خواهد بود که در

هر بزنگاهی هر دو حزب حامی سیستم در تقابل با آن قرار می‌گیرند. اختلافات و تضادهایی که ترامپ را به رأس قدرت رساند چنانچه پاسخ مناسب نگیرد این‌بار به‌راحتی به خانه بازمی‌گردد چون نیرویی که از حاشیه رها شده و همچنین دیگر نمی‌توان سیستم موجود تحمیل کرده است، دیگر سهم خود را از متن مطالبه می‌کند. از طرف دیگر، رئیس‌جمهوری جدید با توجه به برنامه‌های اقتصادی خود که دقیقاً در حمایت از طبقه ثروتمند و صاحبان سرمایه خواهد بود از همان ابتدا وارد یک تناقض بین منافع خودی و مطالبات موتور محرکه جنبش پوپولیستی رای‌دهنده می‌شود. بافتن راهی برای ایجاد تعادل بین طبقه خودی و طبقه کارگر سفیدپوست رای‌دهنده حامی، هیچ راهی نخواهد داشت به غیر از اینکه در بسیاری از بنیان‌های موجود تجدیدنظر شود که به نظر نمی‌رسد ترامپ قصد این کار را داشته باشد و حتی کنگره حزبی اجازه و مجوز این کار را بدهد. به‌همین‌دلیل آمریکا از شکست نومبر وارد یک تناقض و پارادوکس سخت خواهد شد که به نظر نمی‌رسد ترامپ توان حل آن را داشته باشد. به یک تعبیر ساده، دونالد ترامپ به‌عنوان یک راست افراطی توانست بر مطالباتی از حوزه چپ سوار شود که این معادله در بطن خود حامل یک تضاد است که هشتم نومبر نهاد آن خواهد بود.

زاویه

چرا طرفداران اردوغان

رئیس‌جمهوری جدید آمریکا را دوست دارند؟

دونالد ترامپ برای ترک‌ها

● شاید برایتان عجیب باشد؛ اما تعداد زیادی از مفسران طرفدار دونالد ترامپ و شعار او برای احیای آمریکای بزرگ هستند. اگر از ترک‌ها در ترکیه بپرسید که در انتخابات آمریکا دوست داشته‌اند چه کسی پیروز شود، احتمالاً فکرش را هم نمی‌کنید که شعار بار دیگر آمریکای بزرگ برای آن غیرآمریکایی‌ها جذاب باشد؛ اما اشتباه می‌کنید. این دقیقاً همان چیزی است که بسیاری از ترک‌ها می‌خواهند. شاید شگفت‌زده شوید؛ اما در بسیاری از روزنامه‌ها و مطبوعات ترکیه در سطح سابقه‌ای می‌بینید که حمایت از دونالد ترامپ در جریان است. رسانه‌های ضددولتی لیبرال وحشت‌زده‌اند؛ اما بسیاری از رسانه‌های طرفدار دولت عدالت و توسعه از ترامپ و موفقیت او استقبال می‌کنند. اکثر مفسران سیاسی نزدیک به دولت در ترکیه معتقدند که حمله رسانه‌ای در آمریکا علیه ترامپ ناشی از نوعی تعصب به «هیلاری کلینتون» است. «ملیح التینوک»، ستون‌نویس روزنامه طرفدار دولت «صباح»، در یادداشتی با عنوان «ترامپ چه کاری برای شما انجام می‌دهد؟» استدلال کرده که نامزد جمهوری‌خواهان قطعاً بهتر از کلینتون است. شاید عجیب باشد. باید پرسید چگونه است که مفسران طرفدار اردوغان و دولت «اسلام‌گرا»ی او از ترامپ حمایت می‌کنند. آنان در حالی از ترامپ حمایت می‌کنند که شعارهای ضداسلام‌هراسی سر می‌دهند و به‌طور روزانه از بی‌عدالتی اجتماعی در جوامع غربی می‌نویسند؛ اما در مقابل ترامپ خواستار ممنوعیت ورود مسلمانان به ایالات متحده شده است و حمایت سازمان نژادپرست «کوکلوکس کلان» را نیز کسب کرده است؛ پس علت علاقه اسلام‌گرایان در ترکیه و حمایت رسانه‌های دولتی از او چیست؟

دلیل اول و عمل‌گرایانه آن است که حامیان اردوغان باور دارند که کلینتون دارای رابطه قوی با شبکه «فتح‌الله گولن»، واعظ مذهبی مقیم پنسیلوانیاست که دولت ترکیه او و هوادانش را عامل کودتای نافرجام اخیر می‌دانند. طرفداران اردوغان می‌گویند که کلینتون دست‌کم یک‌بار شخصاً با گولن دیدار کرده است و گولنیست‌ها نیز به بناد کلینتون و کارزار انتخاباتی او کمک کرده‌اند؛ برای مثال، «مهمت‌اوز»، ستون‌نویس «صباح»، می‌نویسد: «این به حمایت مالی محدود نمی‌شود. صحبت از یک جریان و شبکه است که درون حلقه اطرافیان کلینتون نفوذ کرده است».

نکته دیگر آن است که جهان‌بینی و رویکرد انزواگرایانه ترامپ بسیاری از هواداران اردوغان را هیجان‌زده کرده است. او از ناتو به‌عنوان نهادی «منسوخ» یاد کرده و لحن مثبتي نسبت به «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، دارد که خواستار بازنگری آمریکا در سیاست خارجی سنتی خود در دفاع از دموکراسی‌ها شده بود؛ اگرچه ترکیه یکی از قدیمی‌ترین اعضای ناتو است، اما بسیاری از طرفداران اردوغان باور دارند که به‌عنوان باشکاهی مسیحی علیه منافع ترکیه کار می‌کند. آنان روابط دوجانبه ترکیه و روسیه براساس منافع مشترک محدود را به همکاری با ناتو ترجیح می‌دهند.

«فرالالدین التون»، ستون‌نویس صباح، می‌نویسد که رای‌دهندگان آمریکایی با رای به ترامپ آمادگی خود را برای عقب‌نشینی از سیاست توسعه‌طلبانه نشان می‌دهند و این بهترین گزینه برای ترکیه خواهد بود. واقعیت آن است که هواداران اردوغان معتقدند که سیاست خارجی نئوممبرالیستی کلینتون در برابر سیاست نئوممبرالیستی اردوغان قرار دارد و ازاین‌رو آن را حریف و رقیبی جدی می‌بینند و با آن مخالف هستند.

فراتر از بی‌اعتمادی اسلام‌گرایان ترکیه به کلینتون، می‌توان دلیل دیگر تمایل آنان به ترامپ را مشابهت شخصیت ترامپ با اردوغان دانست. در توئیتز بسیاری از کاربران ترک از ترامپ با عنوان رئیس یاد می‌کنند، عنوانی محبت‌آمیز که آنان برای اردوغان، رئیس‌جمهوری محبوب خود، به کار می‌برند.

الگوهای رفتاری ترامپ و اردوغان به هم شباهت دارند؛ اما هر دو مردان متفاوتی هستند. برند خاص خود را دارند و الگوهای رفتاری خاصی دارند. مانند اردوغان، ترامپ نیز خواستار تجدیدنظر در وضعیت طبقه کارگر و اکثریت خاموش شده است. هر دو مخالفانش به آنان گفته بود که یک اندازۀ کافی «ملی» یا میهن‌پرست نیستند، در مقابل هواداران ترامپ نیز در تجمعات، فریاد میهن‌پرستانه آمریکایی سر می‌دهند و به مخالفان شان لقب «خان» می‌دهند. ترامپ و اردوغان هر دو در زمره رهبرانی ملی هستند که باور دارند چون ملت‌ها و کشور‌هایشان منحصربه‌فرد هستند، یکایکاً حق و صلاحیت قضاوت درباره آنان را ندارند. همان‌گونه که اردوغان گفته بود توجهی نمی‌کند که دیگران به او دیکتاتور می‌گویند. اردوغان و ترامپ رهبرانی ملی هستند که میانه‌ای با نظم جهانی لیبرال ندارند؛ آنان به توافق رسیده‌اند که اکنون زمان ازبیین‌بردن این نظم است.